



سال پنجم، شماره ۳، پیاپی ۱۶ پاییز ۱۴۰۱

www.qpjjournal.ir

ISSN : 2783-4166

نگاهی به بازتاب باورداشتهای عامیانه در سفرنامه ناصر خسرو

دکتر شهناز ولی پور هفشجانی، امیرحسین سعیدی پور

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۶/۱۹

(از ص ۸۶ تا ۱۱۰)

نوع مقاله: پژوهشی

 [20.1001.1.27834166.1401.5.3.5.9](https://doi.org/10.1001.1.27834166.1401.5.3.5.9)

چکیده

اعتقادات و دانش عوام به مثابه پدیده‌ای آمیخته با اجتماع و رکنی گسست‌ناپذیر از زندگی جمعی در تاریخ پرفراز و فرود بشریت، سهم قابل توجهی از فرهنگ هر ملت را به خود اختصاص داده است. در این میان باورداشتهای عامه، منزلگاه آشنایی و شناسایی جنبه‌های مختلف فرهنگ توده مردم، محسوب می‌شود. سفرنامه‌ها یکی از مهم‌ترین زمینه‌های تجلی این باورها هستند که به لحاظ انعکاس دادن فرهنگ و اندیشه مردمان جوامع مختلف، از غنی‌ترین منابع برای بررسی فرهنگ و پنداشته‌های عامه به شمار می‌روند. در همین راستا سفرنامه ناصر خسرو به دلیل دقت علمی، ژرف‌بینی و توانمندی‌های زبانی نگارنده از جایگاه خاصی برخوردار است. در این پژوهش که با رویکرد تحلیلی توصیفی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای انجام شده، انواع باورهای عامه در سفرنامه ناصر خسرو بر اساس دسته‌بندی جدیدی مورد بررسی قرار گرفته است. در این دسته‌بندی باورهای عامه در شش دسته دینی، تاریخی، افسانه‌ای - اسطوره‌ای، غریب، تابو و خرافه‌ها قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که از میان انواع عقاید عامه، باورهای دینی بیشترین میزان انعکاس را در سفرنامه ناصر خسرو دارد و بعد از آن باورهای عامه در مورد غرایب بازتاب بیشتری از دیگر باورها دارد. از میان انواع باورهای عامه کمترین بسامد بازتاب به باورهای خرافی اختصاص دارد. این نتایج همچنین نشان‌دهنده غلبه جنبه‌های عقلانی و دینی شخصیت این حکیم متاله در گزارش سفرهای هفت‌ساله خود است.

کلیدواژه‌ها: سفرنامه ناصر خسرو، باورداشتهای عامیانه، خرافه‌ها.



۱. مقدمه

۱.۱. بیان مسئله

یکی از منابع مهمی که در ادبیات ملل مختلف به‌ویژه در پهنه ادب فارسی نقش کلیدی در شناسایی، حفظ و آگاهی بخشیدن از عناصر فرهنگ و ادب عامه داشته، سفرنامه است. سفرنامه در حقیقت نوعی گزارش است که از توضیحاتی درباره اصل سفر و اطلاعات مسافر همراه با بیان خاطرات نویسنده پدید آمده است. (ایروانی، ۱۳۸۶: ۸۰ - ۸۱) و می‌تواند دربردارنده مضامین گوناگونی از جمله؛ سیاسی، اجتماعی، جغرافیایی، تاریخی، مردم‌شناسی، زبانی، ادبی و... باشد. کنجکاوی و دید مسئله‌محور سیاحان و جهانگردان موجب انعکاس بسیاری از آداب و رسوم، جلوه‌های ادب عامه و بیان جزئیات زندگی مردم در سفرهایشان شده است. (ذوالفقاری، ۱۳۹۸: ۳۳). از همین رو سفرنامه‌ها را می‌توان به دلیل پرداختن به ابعاد مختلف اقتصادی، تاریخی، فرهنگی مردم جوامع مختلف از مراجع مهم و معتبری برای شناخت فرهنگ ملت‌ها به شمار آورد. در این میان سفرنامه ناصر خسرو جایگاه ویژه‌ای در میان سفرنامه‌های مختلف دارد.

ناصر خسرو (۳۹۴-۴۸۱ ه. ق) شاعر، فیلسوف و حکیم بزرگ ایرانی در سال ۴۳۷ ه. ق در نیمه دوم زندگی پرفراز و نشیب خود یعنی پس از بیداری از خواب غفلت برای یافتن حقیقت قدم در راه سفری هفت‌ساله نهاد و پس از سیاحت شهرها و سرزمین‌های بسیاری، سرانجام در سال ۴۴۴ ه. ق به زادگاه خود، بلخ، بازگشت. او پس از بازگشت از سفر به تنظیم گزارش این سفر طولانی پرداخت. حاصل آن سفرنامه‌ای است که یکی از باارزش‌ترین گونه‌های گزارش‌نویشت از سفر در زبان و ادبیات کلاسیک فارسی محسوب می‌شود. ناصر خسرو در سفرنامه، دانسته‌ها و اطلاعات دقیقی را در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، مردم‌شناختی، تاریخی، جغرافیایی و... از شهرهای مختلف مانند شام، مصر، روم، حجاز، سوریه، طرابلس، فلسطین و... بیان می‌کند. او در کنار توصیف دقیق پدیده‌ها، بناها و شهرها، توجه خاصی نیز به فرهنگ و باورهای مردم داشته‌است و در خلال پرداختن به موضوعات متعدد، با دیدی واقع‌گرایانه دیده‌ها و شنیده‌هایی را که به باورهای عامه مربوط می‌شده‌اند را نیز بیان می‌کند اما درباره مواردی که از دیگران نقل کرده به شکل محققانه‌ای مسئولیت نقص و یا خلل احتمالی را بر عهده راویان می‌گذارد. (ناصر خسرو، ۱۳۷۵: ۱۷۴-۱۷۵).

از آنجاکه بررسی عقاید و باورهای رایج در بین مردم یکی از مهم‌ترین راه‌های شناخت فرهنگ و مبانی اعتقادی جوامع به شمار می‌آید و نیز با توجه به بازتاب این‌گونه باورها در سفرنامه ناصر خسرو، نگارندگان در این مقاله با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای و ارائه شواهد متنی کوشیده‌اند انواع باورها و عقاید عامیانه منعکس‌شده در سفرنامه ناصر خسرو را شناسایی و در طبقه‌بندی جدیدی مورد بررسی قرار دهند.



۲.۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مرتبط انجام‌شده در حوزه باورهای عامیانه را می‌توان به‌طور کلی به دو دسته تقسیم نمود؛ دسته اول مطالعاتی است که فرهنگ و باورهای عامیانه را در دیگر آثار منظوم و منثور کهن فارسی مورد بررسی قرار داده‌اند. دسته دوم مطالعاتی که در زمینه فرهنگ و باورهای عامه در سفرنامه‌ها انجام‌شده از جمله **پژوهش‌های دسته اول** می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد؛

- محمدرضا صرifi (۱۳۸۴) در مقاله «بازتاب باورهای خرافی در مثنوی» به بررسی بخشی از این باورهای عامیانه در مثنوی پرداخته‌است.

- فاطمه الهامی (۱۳۸۵) در مقاله «انعکاس باورهای عامیانه و عقاید خرافی در شعر نظامی» باورهای عامیانه موجود در شعر نظامی را در چهار دسته تقسیم‌بندی کرده‌است.

- عبدالرضا مدرس‌زاده (۱۳۸۵) در مقاله «فرهنگ عامیانه در شعر ناصرخسرو» به بررسی تمثیل‌های ناصرخسرو از منظر فرهنگ عامه پرداخته‌است.

- احمد گلی و فاطمه معنوی (۱۳۹۰) در مقاله «بازتاب باورهای خرافی در دیوان انوری» باورهای خرافی شعر انوری را در پیوند با برخی از عناصر مضمون ساز بررسی کرده‌اند.

- زهرا سید یزدی و فرزانه حکیمی‌پور (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی فرهنگ عامه در فیروزشاه‌نامه بیغمی» این اثر منثور را از دیدگاه فولکلور و آداب و رسوم اجتماعی و فرهنگی و باورهای خرافی بررسی کرده‌اند.

از **پژوهش‌های دسته دوم** یعنی بررسی فرهنگ و باورهای عامه در سفرنامه‌ها می‌توان به تحقیقات انجام‌شده زیر اشاره کرد.

- محمدرضا شعرافیان (۱۳۸۲) در کتاب *باورهای عامیانه در ایران به گزارش سیاحان غربی*، خرافات و سیر تاریخی آن را از دیدگاه جامعه‌شناسی و دینی و عقلانی مورد بررسی قرار داده‌است.

- فرزانه سادات علوی زاده و امید وحدانی‌فر (۱۳۹۸) در مقاله «جلوه‌های فرهنگ عامه در سفرنامه سه سال در آسیا ژوزف آرتور گوبینو» به بررسی گزارش گوبینو از سفر به ایران و فرهنگ عامه از دید نویسنده پرداخته‌اند.



- محمدرضا فارسیان و فاطمه قاسمی آریان (۱۴۰۰) در مقاله «بازتاب ادبیات عامه ایران در سفرنامه از خراسان تا بختیاری اثر هانری رنه دالمانی»، نحوه بازنمایی ادبیات عامه ایران را از دید این سیاح آلمانی مورد بررسی قرار داده‌اند.

با وجود آثار فراوانی که فرهنگ، ادب و باورهای عامه را در آثار مختلف بررسی کرده‌اند تاکنون اثری که به‌طور مستقل سفرنامه ناصر خسرو را از این زاویه مورد بررسی قرار داده باشد مشاهده نشد. البته در آثاری به‌طور کلی نگاهی به سفرنامه از دیدگاه فرهنگ و باورهای عامه شده است. از جمله؛

- محمود مدبری (۱۳۶۸) در مقاله «بهرام گور و رباط زبیده در سفرنامه ناصر خسرو»، به بررسی اصل و منشأ دو باور عامیانه مطرح‌شده در سفرنامه پرداخته‌است.

- حسن ذوالفقاری (۱۳۹۸) نیز در بخشی از کتاب جامع زبان و ادبیات عامه ایران به برخی از باورها و عقاید خرافی موجود در سفرنامه به‌طور کلی پرداخته‌است.

بنابراین با توجه به خلأ موجود و همچنین اهمیت و جایگاه خاص سفرنامه ناصر خسرو نگارندگان بر آن شدند تا بازتاب باورهای عامه را در این اثر فاخر مورد بررسی قرار دهند. نکته دیگری که این پژوهش را از سایر تحقیقات انجام‌شده در حوزه باورهای عامه مجزا می‌کند ارائه و کاربرد دسته‌بندی جدید و مدونی از باورهای عامه بر اساس بن‌مایه‌های درونی آن‌هاست که خود می‌تواند مبنایی برای بررسی‌های بعدی در این حوزه و یا حداقل شروعی برای ارائه نظریات جدید در این زمینه را فراهم کند.

۳.۱. اهمیت و اهداف پژوهش

هدف کلی از انجام این پژوهش بررسی یکی از مهم‌ترین سفرنامه‌های ادب فارسی (سفرنامه ناصر خسرو) از جهت بازتاب عقاید و باورداشت‌های عامه و گاه خرافه‌محور است. در این جستار کوشیده شده ضمن استخراج و ارائه باورهای عامه‌محور از کتاب سفرنامه ناصر خسرو و قرار دادن آن در ذیل طبقه‌بندی مجزا و نو، بررسی و تحلیل‌هایی پیرامون منشأ پیدایش، زمان شکل‌گیری و... بیان شود و در پایان این پژوهش به دنبال آن رفته است تا در پایان و پس از شواهد بیان‌شده، نوع غالب باورداشت‌ها و خرافه‌های موجود در سفرنامه ناصر خسرو را مشخص کند.

۲. بحث

۲.۱. باورهای عامیانه



یکی از عناصر کلیدی که گستره وسیعی از فرهنگ عوام را به خود اختصاص می‌دهد باورها و معتقدات رایج در بین مردم جوامع و ملت‌های مختلف و یا به عبارتی باورهای عامیانه است. باورهای عامیانه به‌عنوان جلوه‌ای از فرهنگ عامه یا فولکلور بیانگر شیوه‌های زندگی، چگونگی تفکر و مهم‌ترین منشأ بایدها و نبایدهای انسان است که به شکل‌های گوناگونی در بطن جامعه نمود می‌یابد. (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۹). یکی از ویژگی‌های مرتبط با باورها، آمیختگی آنها با عقاید خرافی می‌باشد. به‌گونه‌ای که در اغلب مواقع لفظ باورهای عامیانه، باورهای آمیخته به خرافات را به ذهن متبادر می‌کند. از همین رو در بسیاری از آثار پژوهشگران و سخنوران به باورهای عامیانه (به‌طور کلی) باورهای خرافی نیز گفته‌شده که غالباً دارای ساختار غیرمنطقی، جاهلانه، خیالی و هیجان‌انگیز هستند. (جهانشاهی افشار و شمس‌الدینی مطلق، ۱۳۹۳: ۵۱). در فرهنگ بزرگ سخن خرافه به‌معنای

مجموعه باورهای ناشی از نادانی، ترس از امور ناشناخته، اعتقاد به سحر و جادو و درک نادرست از روابط علت و معلولی و مانند آنها: چیزهایی مثل عدد سیزده و سایر خرافات که ممکن است به نظر شخص دیگری معقول بیاید می‌باشد. (انوری، ۱۳۸۱، ج ۴: ۲۷۰۷).

در کتاب *دیره/المعارف* تشیع پس از نقل بحثی در این باره چنین نتیجه گرفته می‌شود که «خرافه یا خرافات عبارت است از اعتقادات بی‌اساسی که با عقل و منطق و علم و واقعیت سازگاری نداشته باشد.» (صدر حاج سید جوادی و همکاران، ۱۳۷۸، ج ۷: ۱۰۷). گروهی نیز خرافات را به‌معنای قابل و ترجمه واژه فارسی افسانه به کار برده‌اند. چنان‌که هزار و یک شب عربی را مجموعه خرافاتی برگرفته از هزار افسان ایرانی دانسته‌اند. (موسی‌پور، ۱۳۹۰: ۳۳۸). البته باید گفت باورها و معتقدات عوام همیشه در ردیف خرافات دسته‌بندی نمی‌شدند. چه‌بسا ممکن است عقیده و باوری در مقطعی از زمان به دلیل محدود بودن علم بشر در بین مردم به‌مثابه یک واقعیت پذیرفته شود. (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۱۲). درحالی‌که خرافی و غیرمعقول بودن آن سال‌ها بعد بر اثر پیشرفت علم فهمیده شود. در واقع باورهای عامه اعم از خرافه یا غیر آن قابل انطباق با ویژگی‌های زیر می‌باشند؛

(۱) خبر یا تبیینی که در درستی آن تردید است و اغلب امکان پذیرش آن براساس قوانین ساخته‌شده طبیعت و یا دیگر اخبار نیست. (۲) حکمتی عامیانه که منشأ و مبنای آن مشخص نیست ولی عوام آن را پذیرفته‌اند. (۳) باورها و رفتارهای عامیانه‌ای که باگذشت نسل‌ها جزو هویت کسانی گردیده که توان توجیه آن در برابر نگاه پرسشگران را ندارند. (۴) بخشی از باورها و رفتارهای جا گرفته در شیوه دین‌ورزی عامیانه مردم که نه ریشه در آموزه‌های اصیل دینی دارد و نه مقبول علما و نخبگان دینی است. (موسی‌پور، ۱۳۹۰: ۳۴۰).



۲.۲. انواع باورهای عامیانه

باورهای عامیانه به دسته‌های گوناگونی تقسیم شده است به‌شيوه‌ای که هر طبقه‌بندی بخشی از ویژگی‌های آنها را برجسته کرده است. ذوالفقاری در کتاب *باورهای عامیانه مردم ایران* به طبقه‌بندی باورها از دیدگاه‌های گوناگون اشاره کرده است. برای نمونه بررسی باورها از منظر ریشه فردی و اجتماعی بودن، ریخت‌شناسی و... (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۲۰-۲۲). باورهای عامیانه را به‌لحاظ بن‌مایه‌های تشکیل‌دهنده آنها می‌توان در یک دسته‌بندی کلی^۱ به شش دسته؛ ۱- باورهای عامیانه دینی ۲- باورهای عامیانه تاریخی ۳- باورهای عامیانه افسانه‌ای - اسطوره‌ای ۴- عجایب و غرایب ۵- تابوها و ۶- خرافه‌ها تقسیم کرد. این باورهای کلی در بررسی دقیق‌تر خود می‌تواند زیرگروه‌هایی داشته باشد. از جمله باورهای عامیانه دینی می‌تواند خود به چهار دسته ذیل تقسیم شود: ۱- باور عامیانه درباره وجه تسمیه چیزی بر اساس بن‌مایه‌های دینی ۲- باور عامیانه درباره اصل و منشأ چیزی بر اساس بن‌مایه‌های دینی ۳- باور عامیانه برای توجیه عمل یا آیینی خاص بر اساس بن‌مایه‌های دینی ۴- باوری عامیانه درباره تقدس چیزی بر اساس بن‌مایه‌های دینی و روایات مشابه.

باورهای عامیانه افسانه‌ای - اسطوره‌ای نیز می‌تواند همین تقسیم‌بندی را منتها بر اساس بن‌مایه‌های اسطوره‌ای و افسانه‌ای داشته باشد. باورهای عامیانه تاریخی نیز به دو دسته باورهایی در مورد اصل و منشأ یا علت چیزی بر پایه بن‌مایه‌های تاریخی و باورهای عامه درباره وجه تسمیه با بن‌مایه تاریخی تقسیم می‌شود. همچنین طبق این تقسیم‌بندی خرافه‌ها به عنوان زیرمجموعه باورهای عامیانه محسوب می‌شود؛ زیرا بر اساس تعاریف مختلف خرافه‌ها معمولاً باورهایی هستند که با امور عقلانی و معتقدات دینی در تعارض‌اند، اما همه باورهای عامیانه، تعارض جدی با دین ندارند. ممکن است بعضی از این باورها، منشایی دینی داشته باشند؛ یا بر حکمتی عامیانه بنا شده باشند و یا بیانگر موضوعی باشند که عامیانه شمرده شدن آن در زمان‌های گذشته به سبب ناآگاهی از جنبه‌های علمی آن موضوع باشد؛ لذا می‌توان بین باورهای عامیانه و خرافه‌ها نسبت عموم و خصوص برقرار کرد و خرافه را زیرمجموعه باورهای عامیانه دانست. در این مقاله در مورد انواع خرافه از تقسیم‌بندی شعرافیان در کتاب *باورهای عامیانه ایران به گزارش سیاحان غربی* استفاده شده است. او خرافه‌ها را به هفت دسته ۱- تلقینی، ۲- تدافعی، ۳- فرافکنانه، ۴- ذوقی، ۵- تسکینی، ۶- تسخیری و ۷- بدلی تقسیم کرده است. (شعرافیان، ۱۳۸۲: ۱۸). در ادامه باورهای عامیانه‌ای که در سفرنامه ناصر خسرو بیان شده است، طبق تقسیم‌بندی ذکر شده بررسی خواهد شد.

۳.۲. بررسی انواع باورهای عامه در سفرنامه ناصر خسرو



۱.۳.۲. باورهای دینی

باورها و اندیشه‌های دینی همان اعتقاداتی هستند که از بن‌مایه‌های دینی ناشی می‌شوند. این قبیل باورها با توجه به گستردگی و شمولیت به طبقه و بخش‌های مختلفی تقسیم شده‌اند. (پیامتی، ۱۳۸۸: ۱۳۹-۱۳۸). این قبیل باورها را ذیل دو عنوان ۱- باورهای ماورایی ۲- باورهای غیر ماورایی قرار می‌دهد. باورهای ماورایی را دارای سه زیرمجموعه مقدسان، کتب آسمانی و ادیان می‌داند اما باورهای غیر ماورایی را عقایدی می‌داند که یادآور مکان‌ها و زمان‌های قدسی است. (همان: ۱۳۹-۱۳۸). غالباً باورهای عامیانه دینی باورهایی غیر ماورایی است که بیانگر تمایل عوام به ارتباط دادن پدیده‌ای زمینی به اموری قدسی و آسمانی است. این باورها را چنان‌که گفته شد می‌توان ذیل چهار گروه فرعی تقسیم‌بندی کرد.

۱.۱.۳.۲. بیان وجه تسمیه مکان و یا پدیده‌ای بر اساس بن‌مایه‌های دینی

در این نوع باور، وجه تسمیه چیزی بر اساس بن‌مایه‌ای دینی طبق معتقداتی عامیانه ذکر می‌شود. از جمله نمونه‌های این باور عامیانه در سفرنامه ناصر خسرو می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

آب عاصی

ناصر خسرو در توصیف شهر حماه به قرارگرفتن آن بر ساحل رودی به نام عاصی اشاره می‌کند و سپس از قول مردمان شهر باوری را که در مورد وجه تسمیه این رود وجود داشته بیان می‌کند. به اعتقاد ساکنان شهر از آن‌جا که این رود از حماه به جانب روم می‌رفته لقب عاصی یافته‌است. یعنی چون از دیار اسلام به سرزمین غیراسلامی جاری می‌شود نام عاصی و سرکش بر آن نهاده شده‌است. (ناصرخسرو، ۱۳۷۵: ۱۹).

عین البقر

ناصرخسرو در سفرنامه در توصیف شهر عکه از چشمه‌ای در قسمت دروازه شرقی شهر (عکه) به نام عین البقر نام می‌برد که عوام درباره آن معتقدند که این چشمه را حضرت آدم (ع) پیدا کرده و گاو خود را از آنجا آب داده‌است. (ناصرخسرو، ۱۳۷۵: ۲۵-۲۶). این باور عامیانه برای توجیه وجه تسمیه چشمه عین البقر بوده‌است.

باب السکینه

در توصیف جامع بیت‌المقدس ناصرخسرو از درهای نه‌گانه آن نام می‌برد و باورهای عامه را که ظاهراً برای توجیه وجه تسمیه این درهاست بیان می‌کند. از جمله این درها «باب السکینه» است. «گویند تابوت سکینه که ایزد، تبارک و تعالی، در قرآن یاد کرده‌است آنجا نهاده‌است که فرشتگان بر گرفتندی.» (همان: ۴۸).



مقام النبی

ناصر خسرو در توصیف جامع بیت المقدس و صفت راه‌هایی که به صفه ساحت جامع می‌رسد در مورد وجه تسمیه درجه یا پلکانی که معروف به مقام النبی بوده است نوشته: «و مقام النبی از آن گویند که شب معراج پیغمبر (ص) بر آن درجات بر دکان رفته است، و از آنجا در قبه صخره رفته.» (همان: ۵۴).

قبه یعقوب

در رواقی از مسجد بیت المقدس که از سقف‌هایی با ستون‌های مرتفع ساخته شده محلی قبه یعقوب نام گرفته که به عقیده مردم گویا آنجا محل نماز گزاردن حضرت یعقوب (ع) بوده است. (همان: ۴۰).

باب الرحمه و باب التوبه

باب دیگری از مسجد بیت المقدس باب التوبه نام داشته است. ناصر خسرو طبق معمول باور مردم در مورد این در را نیز ذکر کرده است: «و گویند این در است که ایزد، سبحانه و تعالی، توبه داود علیه السلام، را آنجا پذیرفت.» (همان: ۴۱-۴۲).

۲. ۱. ۳. بیان اصل و منشأ و یا علت چیزی بر اساس بن‌مایه‌های دینی

در این گونه از باورهای عامه دینی اصل و منشأ چیزی به امور قدسی و دینی ربط پیدا می‌کند که در این صورت غالباً این پدیده‌ها جنبه تقدس هم می‌یابند. گاهی نیز صرفاً علت یا اصل پدیده‌ای یا چیزی بر اساس روایت یا داستانی با بن‌مایه دینی بدون دادن جنبه تقدس توجیه می‌شود.

نشان پای حضرت اسحاق (ع)

در توصیف قبه الصخره که از قبه‌های بیت المقدس بوده می‌نویسد:

و صخره مقدار بالای مردی از زمین برتر است... از آن سو که قبله است یک جای نشیبی دارد و چنان است که گویی بر آنجا کسی رفته است و پایش بدان سنگ فرورفته است... و چنان شنیدم که ابراهیم، علیه السلام آنجا بوده است و اسحاق، علیه السلام، کودک بوده است بر آنجا رفته، و آن نشان پای اوست. (همان: ۵۱).

باغ فرعون



ناصر خسرو در بیروت، طاقی را در اوج زیبایی و معماری هنرمندانه می‌بیند و از مردم می‌پرسد «که این چه جای است؟ گفتند که شنیده‌ایم که این در باغ فرعون بوده است.» (همان: ۲۲-۲۳). در مصر نیز مجدداً به باغی اشاره می‌کند که به اعتقاد عامه باغ فرعون بوده است؛ «باغی بود سلطان را به دو فرسنگی شهر که آن را عین الشمس می‌گفتند و چشمه‌ای آب نیکو در آنجا - و باغ را خود به چشمه بازمی‌خوانند - و می‌گویند که آن باغ فرعون بوده است.» (همان: ۸۷). همچنین در وصف بیت المقدس به بنایی بزرگ و قدیمی اشاره می‌کند که مردم آن را خانه فرعون می‌دانستند:

میان جامع و این دشت ساهره وادی است، عظیم ژرف و در آن وادی که همچون خندقی است بناهای بزرگ است بر نسق پیشینیان و گنبدی سنگین دیدم تراشیده و بر سر خانه‌ای نهاده که از آن عجب‌تر نباشد، تا خود آن را چگونه از جای برداشته باشند و در افواه بود که آن خانه فرعون است و آن وادی جهنم. (همان: ۳۶).

قبه الجبرئیل و قبه الرسول

ناصر خسرو در توصیف مسجد الحرام به سنگی اشاره می‌کند که بنا به اعتقاد عموم از جمله خود او جای پای پیامبر بر آن بوده است.

«و سنگی سیاه بوده است که رسول (ص) پای مبارک خود بر آنجا نهاده است و آن سنگ نقش قدم مبارک او گرفته، و آن نشان قدم را از آن سنگ سیاه بریده‌اند و در آن سنگ سپید ترکیب کرده، چنان‌که سر انگشت‌های پا اندرون مسجد دارد.» (همان: ۱۲۸).

جای انگشتان حضرت علی (ع)

در مسجد جامع بصره، چوبی بوده از چوب‌های هندوستان «گفتند که امیرالمؤمنین (ع) آن چوب را برگرفته است و آن‌جا آورده است.» (همان: ۱۵۷).

کرسی حضرت سلیمان (ع)

در توصیف ساحت مسجد بیت المقدس از سنگی تراشیده در حظیره‌ای در سمت شمالی مسجد نام می‌برد که به کرسی سلیمان معروف بوده و عامه درمورد آن معتقد بوده‌اند که: «سلیمان، علیه‌السلام، بر آن‌جا نشستنی بدان وقت که عمارت مسجد همی‌کردند.» (همان: ۵۵ - ۵۶).



محراب زکریا

همچنین در بخش شمالی مسجد بیت المقدس، رواقی زیبا و گنبدی بزرگ وجود داشته که بر آن نگاشته شده «هذا محراب زکریا النبی، علیه السلام». بنا به باور عامه، حضرت زکریا در آن مکان نماز می‌گذارد. (همان: ۴۱).

گرمابه حضرت سلیمان (ع)

در شهر طبریه در کنار مسجد گرمابه‌ای بر چشمه آب گرمی بنا شده بود. طبق باور عامه این گرمابه عجیب ساخت سلیمان نبی بوده است. «بر سر آن چشمه گرمابه‌ای ساخته‌اند و آب چنان گرم است که تا به آب سرد نیامیزند بر خود نتوان ریخت و گویند آن گرمابه سلیمان بن داود، علیه السلام، ساخته است و من در آن گرمابه رسیدم». (همان: ۲۹)

نقش سپر حمزه بن عبدالمطلب

در وصف باب النبی از باب‌های بیت المقدس به نقشی سپرگونه بر دیوار سنگی گذرگاه این در اشاره می‌کند که به باور عامه نقش سپر حمزه بوده است: «گویند که حمزه بن عبدالمطلب، هم رسول (ص) آنجا نشسته است، سپری بر دوش بسته، پشت بر آن دیوار نهاده، و آن نقش سپر اوست». (همان: ۴۷).

ممر و حوض ساخت سلیمان

به باور عامه گذرگاه سنگی باب النبی ساخته حضرت سلیمان بوده است.

آن ممر چنان محکم است که بنایی بدان عظیمی بر پشت آن ساخته‌اند و درو هیچ اثر نکرده و در آنجا سنگ‌ها به کار برده‌اند که عقل قبول نکند که قوت بشری بدان رسد که آن سنگ را نقل و تحویل کند و می‌گویند آن عمارت را سلیمان بن داود، علیه السلام، کرده است. (همان: ۴۷).

همچنین حوض‌های ساحت جامع نیز به باور عامه ساخته سلیمان نبی بوده است. «این حوض‌ها که در جامع است هرگز محتاج عمارت نباشد که سنگ خاره است و اگر شقی یا سوراخی بوده باشد چنان محکم کرده‌اند که هرگز خراب نشود و چنین گفتند که این را سلیمان، علیه السلام، کرده است». (همان: ۴۶).

تکه‌هایی از کشتی نوح (ع)

در وصف اندرون کعبه آمده: «دو تخته چوبین به مسمار نقره بر دیوارها دوخته‌اند، و آن تخته‌ها از کشتی نوح، علیه السلام، است. هر تخته پنج گز طول و یک گز عرض دارد». (همان: ۱۳۲).

**سرزمین شام، دور از قحطی!**

درباره فراوانی و سرسبزی سرزمین شام ناصر خسرو به بیان باوری که در بین عوام رایج است می‌پردازد. گویا یکی از بزرگان پیامبر (ص) را در خواب می‌بیند و درخواستی از پیامبر اسلام می‌کند که «ای پیامبر خدا! ما را در معیشت یاری کن» و چنین از جانب ایشان جواب می‌شود که «نان و زیت شام بر من». این ماجرا حکایتی است که در باب علت فراوانی و برکت شهر شام در قدیم، میان عوام رایج بوده است. (همان: ۳۵).

جابه‌جایی صخره به احترام پیامبر اعظم (ص)

ناصر خسرو در توصیف قبه الرسول علت نیمه معلق بودن صخره‌ای در این مکان را از عوام این‌گونه نقل کرده‌است: گویند شب معراج رسول (ص) اول به قبه صخره نماز کرد و دست بر صخره نهاد، و چون بیرون می‌آمد صخره از برای جلالت او برخاست و رسول (ص) دست بر صخره نهاد تا باز به جای خود شد و قرار گرفت و هنوز آن نیمه معلق است. (همان: ۵۳).

مهد عیسی

ناصر خسرو در بیت‌المقدس از مسجدی اطلاع می‌دهد که سنگی از ستون‌های واقع در آن نقشی شبیه جای دو انگشت دارد و به عقیده مردم آن، جای دو انگشت حضرت مریم (س) در زمان وضع حمل است. بر اساس این عقیده، عده‌ای بسیار آن مکان را مقدس دانسته و در آن محل نماز می‌خوانند و از آنجا به مهد عیسی یاد می‌کنند. (همان: ۴۲-۴۳).

۳. ۱. ۳. ۲. تقدس پدیده و مکانی بر اساس بن‌مایه‌های دینی

در این نوع باورهای عامیانه امور، پدیده‌ها، مکان‌ها یا اشیایی مقدس شمرده می‌شود. این تقدس می‌تواند همراه با ربط اصل و منشأ پدیده‌ها و امور به عالم قدسی و ماورایی باشد (شبیه بسیاری از مواردی که در ردیف قبل ذکر شد) و یا بدون بیان اصل و منشأ صرفاً با ربط به مسائل قدسی صورت بگیرد.

چشمه مقدس

ناصر خسرو پس از عبور از شهر حما با چشمه‌ای مواجه می‌شود که به باور مردم هرسال به هنگام نیمه شعبان آب در آن جاری می‌شود و به مدت سه روز آب در آن جریان دارد اما بعد از سه روز یک قطره آب نیز در آن یافت



نمی‌شود؛ بنابراین قول این پدیده موجب شده مردم آنجا به زیارت روند و در آن مکان به خداوند تقرب جویند. (همان: ۱۹).

عَيْن السُّلْوَان

پس از گذر از شهر بیت‌المقدس به سمت جنوب، چشمه آبی نمایان می‌شود که از سنگ بیرون می‌آید و عوام به آن عَيْن السُّلْوَان می‌گویند «و گویند هر که بدان آب سر و تن بشوید رنجه‌ها و بیماری‌های مزمن از او زایل شود و بر آن چشمه وقف‌ها بسیار کرده‌اند». (همان: ۳۷).

دشت قیامت

ناصر خسرو پس از عبور از شهر بیت‌المقدس از صحرایی بزرگ خبر می‌دهد که عوام معتقدند که آن صحرا دشت قیامت نام دارد چراکه حشر مردم در روز قیامت آن‌جا خواهد بود. بر اساس این باور عوامانه، افراد بسیاری از جای‌جای کشورهای اسلامی در آنجا ساکن شده‌اند تا در آن شهر وفات یابند و به گمان خود در روز قیامت در آن منطقه در محضر خداوند تعالی حاضر باشند. (همان: ۳۶).

۲. ۳. ۴. ۱. ۲. توجیه عمل و یا آیینی خاص بر اساس بن‌مایه‌های دینی

این دسته از باورها برای توجیه عمل یا آیینی خاص بر اساس بن‌مایه‌های دینی به کار می‌رود. باورمندان کارها یا آیین‌هایی را به پیروی از شخص یا واقعه‌ای که به عوالم قدسی و ماورایی و دینی مربوط است انجام می‌دهند تا با تکرار آن عمل مقدس از فواید قدسی آن برخوردار شده همان خیر و برکت را نصیب خود سازند.

زراعت حضرت آدم (ع)

مسجد جمعه در شهر عکه یکی دیگر از مناطقی است که ناصر خسرو در مسیر عبور خود از آن گذشته است. قسمتی از ساحت بیرونی مسجد را مردم سبزی کاشته‌اند و عقیده داشته‌اند حضرت آدم (ع) در مکان مذکور زراعت می‌کرده است. (همان: ۲۵).

۲. ۳. ۲. باورهای تاریخی

باورهای عامیانه تاریخی گونه‌ای از باورهای عامه است که بر تاریخی بودن پدیده، شیء، مکان و رویدادی دلالت دارد. این قبیل باورهای تاریخی را نیز می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. باورهایی در مورد وجه تسمیه بر اساس بن‌مایه‌های تاریخی و باورهای عامه در مورد اصل و منشأ یا علت چیزی بر اساس بن‌مایه‌های تاریخی.



۲. ۳. ۱. باورهای عامه در مورد وجه تسمیه

لشکرگاه قاهره

وجه تسمیه قاهره در سفرنامه بر اساس واقعه‌ای تاریخی این‌گونه بیان شده: «و در وقتی که المعزالدین الله بیامد، در مصر سپاه‌سالاری از آن خلیفه بغداد بود. پیش معز آمد به طاعت. و معز با لشکر بدان موضع که امروز قاهره است فرود آمد، و آن لشکرگاه را قاهره نام نهادند، چه آن لشکر آنجا را قهر کرد.» (همان: ۷۶).

۲. ۳. ۲. باورهای عامه در مورد اصل و منشأ

شمشیر بُرید

ناصر خسرو در راه گذر به اصفهان با کوهی مواجه می‌شود که در دره تنگ واقع گشته و مردم عامه درباره پیدایش آن معتقد بودند که آن کوه را بهرام گور، پانزدهمین شاه ساسانی، با شمشیر خود بریده است و بدین خاطر مردم به آن «شمشیر برید» می‌گفتند. (همان: ۱۶۵). مدبری در این باره معتقد است که این بهرام در واقع ایزد بهرام که ایزد پیروزی و نصرت و خدای جنگ و ستوده شده در بهرام یشت اوستا است نه بهرام گور پادشاه خوشگذران ساسانی. به نظر او دلیل این تحریف رواج قصه‌های بهرام گور در میان مردم بوده که موجب شده او جای ایزد مذکور را بگیرد (مدبری، ۱۳۶۸: ۲۱۶-۲۱۷).

خانه لیلی

«از طائف برفتیم و کوه و شکستگی بود که می‌رفتیم. و هرجا حصارک‌ها و دیهک‌ها بود. و در میان شکست‌ها حصارکی خراب به من نمودند، اعراب گفتند: این خانه لیلی بوده است، و قصه ایشان عجیب است.» (ناصر خسرو، ۱۳۷۵: ۱۴۱).

۲. ۳. ۳. باورهای افسانه‌ای - اسطوره‌ای

اسطوره‌ها بیان داستان‌های مینوی درباره نخستین‌هاست و همان کارکردی را برای بشر در روزگار کهن داشته که علم امروز برای ما دارد.

اسطوره همواره از واقعیتی کهن سخن می‌گوید از این‌که چگونه چیزی پدیدار شده است و چطور بسیاری از پدیده‌های جهان برای اولین بار کشف یا وضع شده‌اند. اسطوره‌هایی درباره تبار و نژاد انسان و اصل و



منشأ آن و اسطوره‌هایی درباره مرگ. اسطوره‌ها به سؤالات عام و جهان‌شمول که از دیرباز ذهن بشر را درگیر کرده‌اند پاسخ می‌دهند. (ولی پور هفشجانی، ۱۳۹۵: ۳).

اسطوره‌ها در طول زمان تغییر کرده و در اشکال مختلفی ظاهر شده‌اند گاهی در افسانه‌ای ظاهر شده و گاهی رد آن‌ها را می‌توان در برخی آیین‌ها و مناسک مشاهده کرد و گاه به صورت باورهای عامیانه. انواع باورهای عامیانه مبتنی بر بن‌مایه‌های اسطوره‌ای را می‌توان به باورهای عامیانه اسطوره‌ای در مورد اصل و منشأ چیزها، باورهای عامیانه اسطوره‌ای در مورد وجه تسمیه و باورهای عامیانه اسطوره‌ای در مورد آیین‌ها و آداب و رسوم تقسیم کرد. گاهی باورهای عامیانه اسطوره‌ای با تقدس بخشی نیز همراه‌اند. پاره‌ای از این باورها مبتنی بر افسانه‌ها هستند.

۲. ۳. ۱. باورهای عامیانه اسطوره‌ای در مورد اصل و منشأ چیزی

قصر غمدان

در بخشی از سفرنامه، ناصر خسرو از قصری در یمن خبر می‌دهد که از آن فقط تلی باقی‌مانده و به باور مردم زمانی پادشاه این قصر، پادشاه همه جهان بوده است بدین خاطر مردم بسیاری به وجود گنج‌هایی در آن مکان اعتقاد دارند که تاکنون کسی بدان دست نیافته است. (ناصر خسرو، ۱۳۷۵: ۱۲۴).

قنات کیخسرو

ناصر خسرو در گذر از شهر تون که میان طبس و قاین قرار داشته کاریز بسیار عمیق و پرآبی در شهر تون را وصف می‌کند که به باور مردم آن دیار به دستور کیخسرو ساخته شده «آبی عظیم در این کاریز روان است و آن کاریز چهار فرسنگ می‌رود. و آن را گفتند کیخسرو فرموده است کردن.» (همان: ۱۷۰ - ۱۷۱).

اصل هندوان

ناصر خسرو هنگام مشرف شدن به سفر حج تعدادی از مردم یمن را می‌بیند که از ظاهری همچون هندوان برخوردار بودند با این مشخصات؛ موهای فرو ریخته، ریش‌های بافته و... بر اساس این تشابه ظاهر به باور مردم در این باره اشاره می‌کند؛ بنابر باور عوام اصل هندوان از یمن بوده است. (همان: ۱۳۷).

۲. ۳. ۲. باورهای عامیانه افسانه‌ای

نحوه گذر از نهر ابله



در توصیف بصره و شهر ابله، ناصر خسرو به رودی با همین نام اشاره می‌کند که شهر در ساحل آن قرار گرفته و درباره آن باوری عامیانه را مطرح می‌کند:

و گویند که آنجا که فم نهر ابله است وقتی چنان بودی که کشتی‌ها از آنجا نتوانستی گذشتن، غرقابی عظیم بوده، زنی از مالداران بصره بفرمود تا چهارصد کشتی بساختند و همه پر استخوان خرما کردند و سر کشتی‌ها محکم کردند و بدان جایگاه غرق کردند تا آن چنان شد که کشتی‌ها می‌گذرند. (همان: ۱۶۰).

۲. ۳. ۴. تابو

تابو واژه‌ای پلی‌نزیایی است که به‌گفته فروید در کتاب توت‌م و تابو «برای ما بر دو معنای متضاد دلالت می‌کند از یک طرف مفهوم «مقدس»، «مختص» و از سوی دیگر مفهوم «اضطراب‌انگیز»، «خطرناک»، «ممنوع» و «پلید» را می‌رساند.» (فروید، ۱۳۹۷: ۲۷). به بیان دیگر هر چیزی که مقدس و فراتر از امور عادی، خطرناک، پلید یا اسرارآمیز باشد؛ تابو شمرده می‌شود. (همان: ۳۰). به نظر می‌رسد بسیاری از تابوها ریشه در اسطوره‌های فراموش‌شده یا تغییریافته دارند. فروید به نقل از «وونت» در مجموع تابو را در نگاهی کلی این‌گونه تعریف کرده‌است: تابو عادات و آداب و رسوم و حتی گاهی قوانینی در فرهنگ‌های مختلف است که به موجب آن انجام عملی از جمله دست زدن به شیء خاص یا تصاحب آن، ورود به مکانی خاص یا به‌کاربردن پاره‌ای کلمات و... ممنوع، تحریم و نهی شده است. (همان: ۳۱). برتراند راسل نیز در تعریف تابو می‌گوید: «اخلاق تابو عبارت است از مجموعه‌ای از رسوم و عادات، خاصه منهیاتی که بدون هیچ دلیلی به انسان تحمیل می‌گردد، ممکن است بتوان علت عقلانی برای تابو یافت اما اغلب هرگونه تلاشی برای یافتن دلیل، بی‌حاصل خواهد بود.» (راسل، ۱۳۴۵: ۳۰) سرچشمه تابو نیروی اسرارآمیز و ماورایی خاصی است که با شخص یا شیء همراه است. تابوها هدف‌های گوناگونی دارند؛ از جمله حفظ انسان‌ها در برابر قدرت و خشم خدایان یا شیاطین.

وادی جهنم

به گواه ناصر خسرو در فاصله بین مسجد جامع بیت‌المقدس و دشت قیامت، دره‌ای بسیار عمیق وجود دارد که به عقیده مردم نام آن، وادی جهنم است «و مردم عوام چنین گویند که هرکس که به سر آن وادی شود آواز دوزخیان شنود که از آنجا برمی‌آید. من آنجا شدم اما چیزی نشنیدم.» (ناصر خسرو، ۱۳۷۵: ۳۶-۳۷). همچنین در مورد وجه تسمیه این مکان باور عامیانه دیگری را نیز مطرح می‌کند: «پرسیدم که: «این لقب که بر این موضع نهاده است؟» گفتند: به روزگار خلافت، عمر خطاب، رضی‌الله‌عنه، بر آن دشت ساهره لشکرگاه بزد و چون بدان وادی نگریست گفت: این وادی جهنم است.» (همان). مهراسا واژه جهنم را در این «جهنم دره» تحریف‌یافته و عربی‌شده واژه عبری



«گهینوم» به معنای دره پسر هینوم می‌داند. او معتقد است که در زمانی دور این دره معبدی برای پرستش خدایان مُلک و بعل بوده و پیروان این دو بت برای خدایان خود در این دره قربانی می‌کرده‌اند. (مهراسا: ۱۳۹۴).

قبه السلسله

ناصر خسرو در توصیف بیت المقدس و قبه السلسله به زنجیری اشاره می‌کند که دست ظالم به آن نمی‌رسد! بعد از این خانه قبه‌ای است که آن را قبه سلسله گویند و آن، آن است که سلسله داود، علیه السلام، آنجا آویخته است که غیر از خداوند حق را دست بدان نرسیدی و ظالم و غاصب را دست بدان نرسیدی. و این معنی نزدیک علما مشهور است. (ناصر خسرو، ۱۳۷۵: ۵۲-۵۳).

۵.۳.۲. غرایب

این گونه از باورها که می‌توان عنوان شگفت‌باور را بر آن نهاد باورهای مبتنی بر وجود اموری شگفت در جهان هستی است. این شگفتی‌ها «یا ریشه در واقعیت دارند یا در عالم واقعیت وجود ندارند و راویان آنها با بهره‌گیری از ظرافت‌های ادبی مانند تخیل اغراق و حقیقت‌نمایی آنها را وصف کرده‌اند». (اشکوری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰). در برخی از عجایب و غرایب می‌توان ردپای اسطوره‌های از میان رفته را دید. بخشی دیگر که غالباً به عنوان غرایب العالم شناخته می‌شدند به شگفتی‌های جهان طبیعت از قبیل ستارگان، دریاها، حیوانات و... می‌پرداختند. برخی از آن چه به عنوان غرایب شناخته می‌شد اموری با مبنایی علمی بوده که در زمان‌های دور به دلیل ناشناخته بودن مبنای علمی اموری عجیب تلقی شده‌اند.

زنان بیمار

ناصر خسرو در مصر به نوعی بیماری در زنان مصر اشاره می‌کند که آن را با شنیده‌های خود شگفت‌انگیز قبلی خود تطبیق می‌دهد.

آنجا زنان را علتی می‌افتد، به اوقات، که چون مصروعی، دو سه بار بانگ کنند و باز به هوش آیند. در خراسان شنیده‌بودم که جزیره‌ای است که زنان آنجا چون گربگان به فریاد می‌آیند، و آن بر این گونه است که ذکر رفت. (ناصر خسرو، ۱۳۷۵: ۶۷).

دریای یخ‌زده



ناصر خسرو ضمن توصیف آندلس به دریای روم یا مدیترانه امروزی اشاره می‌کند و در مورد آن چنین می‌گوید: «از مردم ثقه شنیدم که دور این دریا چهار هزار فرسنگ است. و شاخی از آن دریا به تاریکی در شده است، چنان‌که گویند سر آن شاخ همیشه فسرده باشد، از آن سبب که آفتاب آنجا نمی‌رسد.» (همان: ۷۲) که به اتصال مدیترانه از طریق اقیانوس اطلس به دریای منجمد شمالی اشاره دارد.

ماده‌ای دریایی

در شهر طبریه ناصر خسرو بنابر اطلاعاتی که شخصی به او می‌دهد از ماده‌ای عجیب در کف دریای لوط (بحرالمیت امروزی) خبر می‌دهد:

چیزی است مانند گاوی از کف دریا فراهم آمده سیاه که صورت گاو دارد و به سنگ می‌ماند... هر پاره از آن را که زیر درختی کنند هرگز کرم در آن نیفتد... و بستان را از کرم و حشرات زیرزمین آسیب نرسد و العهده علی الراوی. (همان: ۳۰).

گذر از رود نیل

در شهر قاهره این باور عامه رایج بوده است که المعز لدین الله پس از فتح مناطق بسیار لشگری برای فتح مصر فرستاد. لشکر به‌خاطر آب‌های متلاطم رود و نیز وجود نهنگ‌ها امکان عبور از آب نداشت المعز لدین الله سگی سیاه را پیشاپیش سپاه به راه انداخت و دستور داد که لشگریان به دنبال سگ بدون هیچ ترس و واهمه‌ای از آب عبور کنند. «گفتند که سی هزار سوار بود که بدان‌جا رسیدند - همه بندگان او بودند - آن سگ سیاه همچنان پیش از لشکر در رفت، و ایشان بر اثر او در رفتند و از آب بگذشتند که هیچ آفریده را خللی نرسید. (همان: ۷۴-۷۷).

دریاچه طبریه

در وصف دیگر سرزمین‌های فلسطین، ناصر خسرو از دریاچه شیرین طبریه (جلیل امروزی) یاد می‌کند و روایت عجیبی از مردم را درباره آن نقل می‌کند:

شهر بر غربی دریاست و همه آب‌های گرمابه‌های شهر و فضله آب‌ها بدان دریا درمی‌رود، و شنیدم که وقتی امیری بدین شهر آمده بود، فرمود که راه آن پلیدی‌ها و آب‌های پلید از آن دریا بازبندند آب دریا گنده شد، چنان‌که نمی‌شایست خوردن، باز فرمود تا همه راه آب‌های چرکین که بود بگشودند، باز آب دریا خوش شد. (همان: ۲۸-۲۹).



ماهی عظیم الجثه

در شهر عیذاب واقعه‌ای شگفت‌آور از شخصی مورد اعتماد در مورد عجایب دریای قلزم (دریای سرخ) می‌شنود به این صورت که در سفری دریایی بار شتر با کشتی به حجاز می‌برده‌اند و شتری می‌میرد مردم آن را به آب می‌اندازند. «ماهی‌ای در حال آن را فروبرد چنانکه یک پای شتر قدری بیرون از دهانش بود ماهی دیگر آمد و آن ماهی را که شتر فرو برده بود فروبرد که هیچ اثر از آن بر او پدید نماند و گفت «آن ماهی را قرش می‌گفتند.»» (همان: ۱۱۵ - ۱۱۶).

۲. ۳. ۶. خرافه‌ها

خرافه لغتی عربی به معنای حکایت، قصه و یا عقیده فاسد و رأی باطل و جمع آن خرافات است. این واژه تقریباً معادل superstition به معنی عقاید بی‌پایه و اساس و بدون پشتوانه است. (یحیی نوری، ۱۳۶۰: ۴۸۰) و در فرهنگ بزرگ سخن در اصطلاح به معنای «مجموعه باورهای ناشی از نادانی، ترس از امور ناشناخته، اعتقاد به سحر و جادو و درک نادرست از روابط علت و معلولی و مانند آنها» آمده است. (انوری، ۱۳۸۱: ج ۴: ۲۷۰۷) صالحی امیری نیز خرافه را آن دسته از باورها و اعتقاداتی می‌داند که از دیدگاه عقلانیت عصری و مفروضات دوره‌ای، شعور عرفی، علم، عقل و تفسیری که از دین در دست است امری مردود و نکته انحرافی محسوب می‌شود. (صالحی امیری، ۱۳۸۷: ۱۸-۱۹).

۲. ۳. ۱. خرافه تلقینی:

باورهایی هستند که افراد برای خود ساخته‌اند و به خود تلقین می‌کنند. هرچند تلقین به خودی خود قدرتی ندارد اما هنگامی که با اعتقاد عمیق افراد همراه شود به عاملی مؤثر و قدرتمند تبدیل می‌گردد. خرافه‌های تلقینی در سفرنامه ناصر خسرو به قرار زیر می‌باشند:

قران رأس با مشتری

از گذشته‌های دور عوام تغییرات در اوضاع فلکی را عامل مؤثر در پدید آمدن رویدادها و حوادث زمین می‌دانستند و به گونه‌های مختلف به تأثیر اجرام آسمانی در سرنوشت و پیشامدهای خود اعتقاد داشتند. به باور عوام هنگام گرد آمدن و مقارنه^۲ ستاره رأس با سیاره مشتری زمانی سعد و فرخنده محسوب می‌شود که در آن موقع انجام کارها به خصوص طلب حاجات از خداوند تبارک و تعالی خوب است و باعث برآورده شدن آن می‌گردد. مصفا نیز در کتاب



فرهنگ اصطلاحات نجومی از این قران (قران مشتری با ستاره‌ای دیگر) با عنوان قران سعد یاد می‌کند. (مصفا، ۱۳۵۷: ۵۸۷). در سفرنامه نیز ناصر خسرو چنین به این باور اشاره می‌کند:

در آن روز قران رأس و مشتری بود - گویند که هر حاجت که در آن روز خواهند باری تعالی و تقدس، روا کند - به گوشه‌ای رفته و دو رکعت نماز به کردم و حاجت خواستم تا خدای تبارک و تعالی مرا توانگری حقیقی دهد. (ناصر خسرو، ۱۳۷۵: ۱).

تفأل و تطیر

تطیر و تفأل از جمله باورهای کهن می‌باشد که در اقوام گوناگون از جمله اعراب حضور گسترده داشت. تطیر از ریشه «طیر» به معنی پرنده است و چون عرب فال بد را غالباً به وسیله پرندگان می‌زد، عنوان تطیر به معنی فال بد زدن و تفأل به معنی فال نیک زدن آمده است.

چون به نزدیک یاران و اصحاب آمدم یکی از ایشان شعر پارسی می‌خواند. مرا شعری از وی در خاطر آمد که از وی درخواست کردم تا روایت کند، بر کاغذی نوشتم تا به وی دهم که: این شعر برخوان. هنوز بدو نداده بودم که او همان شعر به عینه آغاز کرد. آن حال به فال نیک گرفتم و با خود گفتم: خدای تبارک و تعالی حاجتم را روا کرد. (همان: ۱-۲).

تفأل به کر و لال‌ها

در توصیف گشایش خلیج قاهره چنین می‌گوید:

و این روز همه خلق مصر و قاهره به نظاره آن فتح خلیج آمده باشند و انواع بازی‌های عجیب بیرون آورند. و اول کشتی در خلیج افکنده باشد، جماعتی اخرسان را - که به پارسی گنگ و لال می‌گویند در آن کشتی نشاندند باشند مگر آن را به فال داشته بوده‌اند. (همان: ۸۶ - ۸۷).

۲. ۳. ۲. خرافه‌های تدافعی

همان‌گونه که از عنوان این قبیل باورها (تدافعی) برمی‌آید باورهایی هستند که برای جلوگیری از آسیب رسیدن و نیز دفع خطر ساخته شده‌اند از باورهای تدافعی می‌توان به گرایش و استفاده عوام از انواع طلسم، تعویذ و جادو اشاره کرد. طلسم را نوعی تعویذ دانسته‌اند که استفاده از آن قدرت و بخت صاحب خود را در برابر قوه‌های مخاطره‌آمیز



افزایش می‌دهد و یا آن‌که باعث شکل گرفتن امور دلخواه می‌شود. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷، ج ۱۵: ۶۳۵). یکی از انواع مختلف، طلسم حصار نام داشته‌است. این طلسم برای محافظت و مصونیت در برابر خطر و بلایا بود و برای انسان، حیوان، محصول کشاورزی و هر چیز دیگر به کار می‌رفت. (خوارزمی و توکلی، ۱۳۹۶: ۱۵۰).

طلسم کژدم

... شش فرسنگ دیگر شدیم معره النعمان بود... شهری آبادان و بر در شهر استوانه‌ای سنگین دیدم چیزی بر آن نوشته بود به خطی دیگر از تازی. از یکی پرسیدم که: «این چه چیز است؟» گفت: «طلسم کژدم است که هرگز عقرب در این شهر نباشد و نیاید و اگر از بیرون آورند و رها کنند بگریزد و در شهر نپاید. (ناصر خسرو، ۱۳۷۵: ۱۷).

۳.۶.۳.۲. خرافه‌های بدلی

خرافه بدلی خرافه‌ای است که جایگزین اعتقادات دینی می‌شود و در ذهن‌ها می‌نشیند. برخی این خرافه را خطرناک‌ترین نوع دانسته‌اند، زیرا یک باور غلط با پشتوانه مذهبی انجام می‌شود. (شریلو و فرزاد، ۱۳۹۵: ۱۰).

بوسعیدی‌ها

ناصر خسرو در شهر لحسا با فرقه‌ای به نام بوسعیدی آشنا می‌شود که به گفته او «نماز نکنند و روزه ندارند ولیکن بر محمد مصطفی (ص) و پیغامبری او مقررند.» (ناصر خسرو، ۱۳۷۵: ۱۴۷). سلطان آنان به نام بوسعید اعلام کرده بود که نماز و روزه را از قوم خود برگرفته است همچنین ادعای ظهور پس از مرگ را داشته‌است. و پیروان او اسبی را همواره آماده نگه می‌داشتند تا هنگام ظهور بوسعید بر آن سوار شود. (همان: ۱۴۷-۱۵۰). یکی از این سلطانان بوسعیدی یک‌بار به مکه لشکرکشی کرده و حجرالاسود را از رکن درآورده و به لحسا برده بود با این باور که: «این سنگ مغناطیس مردم است که مردم را از اطراف جهان به خویشان می‌کشد.» (همان: ۱۵۱). برای دیگر باورهای خرافی فرافکنانه، ذوقی، تسکینی و تسخیری نمونه‌ای در سفرنامه مشاهده نشد.

۳. نتیجه‌گیری

سفرنامه‌ها به سبب دربرداشتن اطلاعات مختلف جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی، معماری، فرهنگ، آداب و سنن و روش زندگی اقوام گوناگون منابع غنی برای پژوهش‌های مختلف‌اند. سفرنامه ناصر خسرو یکی از زیباترین دقیق‌ترین و ارزشمندترین سفرنامه‌ها به زبان فارسی است. مؤلف با دیدی تیزبین و جزئی‌نگر، اندوخته‌ای از سفر هفت ساله‌اش را در سفرنامه منعکس کرده‌است. بر این اساس یکی از ابعاد اهمیت سفرنامه، بررسی آن بر پایه زبان و ادبیات عامه



است. ناصر خسرو علاوه بر نقل باورهای خود در این اثر به نقل از مردم نواحی مختلف باورهایی را بازگو کرده که گاهی در صحت برخی از آن‌ها تردیدهایی نیز داشته‌است. او به روشی علمی در چنین مواقعی مسئولیت صحت و سقم آن را برعهده گوینده گذاشته است و یا گاهی خود شخصاً برای اطمینان از صحت و سقم برخی باورها از مکان‌هایی بازدید کرده‌است اما آنچه مسلم است او در زمانی که ناچار به اکتفا به شنیده‌هاست، کوشیده حتی‌الامکان گفته‌های افراد موثق را بیان کند. تاکنون دسته‌بندی مدونی از باورهای عامه که دربرگیرنده انواع مختلف این باورها باشد صورت نگرفته است. در این پژوهش باورهای عامیانه سفرنامه ناصر خسرو ضمن شناسایی و معرفی بر اساس دسته‌بندی جدیدی در شش دسته باورهای عامه با بن‌مایه‌های دینی، باورهای عامه با بن‌مایه‌های تاریخی، باورهای عامه با بن‌مایه‌های افسانه‌ای - اسطوره‌ای، تابوها و خرافه‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌است. نتایج بررسی نشان می‌دهد که از میان انواع باورهای عامه باورهای مبتنی بر بن‌مایه‌های دینی خصوصاً در بحث بیان اصل و منشأ پدیده‌ها و مکان‌های مورد احترام بیشترین بازتاب را در سفرنامه ناصر خسرو دارد و بعد از آن غرایب یا شگفتی‌های عالم بیشترین بسامد را در میان دیگر باورهای عامیانه به خود اختصاص داده‌است. کمترین بازتاب باورهای عامیانه به باورهای خرافی تعلق دارد که از میان شش دسته باور خرافی تنها سه نمونه خرافه تلقینی، خرافه تدافعی و خرافه بدلی آن هم به تعداد اندک در سفرنامه دیده می‌شود. این نتایج همچنین نشان‌دهنده شخصیت علمی و دینی ناصر خسرو می‌باشد که در توجه او به انواع باورهای عامیانه تجلی یافته است. سفرنامه ناصر خسرو به سبب در برداشتن اطلاعات ارزشمند بسیاری از فرهنگ و آداب و سنن ملت‌ها همچنین می‌تواند موضوع پژوهش‌های ارزشمند دیگری در این زمینه باشد که انجام آن به علاقه‌مندان این حوزه پیشنهاد می‌شود.



منابع

- انوری، حسن (۱۳۸۱) فرهنگ بزرگ سخن؛ ج ۴، چاپ اول، تهران: سخن.
- دوستخواه، جلیل (۱۳۸۶) گزارش و پژوهش اوستا؛ چاپ یازدهم، تهران: مروارید.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۵) باورهای عامیانه مردم ایران؛ چاپ دوم، تهران: چشمه، ۱۳۹۵.
- ذوالفقاری (۱۳۹۸) حسن زبان و ادبیات عامه ایران؛ چاپ چهارم، تهران: سمت.
- راسل، برتراند (۱۳۴۵) جهانی که من می‌شناسم؛ ترجمه روح‌ا... عباسی، تهران: امیرکبیر.
- شعربافیان، حمید رضا (۱۳۸۲) باورهای عامیانه در ایران به گزارش سیاحان غربی؛ مشهد: محقق.
- صالحی امیری، سید رضا، تابستان (۱۳۸۷)، خرافه‌گرایی؛ چیستی، چرایی و کارکردها، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- صدر حاج سید جواد، احمد، فانی، کامران و خرمشاهی، بهاء الدین (۱۳۷۸) دایره المعارف تشیع؛ جلد ۷، ذیل خرافات، چاپ اول، تهران.
- فروید، زیگموند؛ توتنم و تابو (۱۳۹۷) ترجمه محمد علی خنجی، تهران: نگاه.
- قبادیانی بلخی، ناصر خسرو؛ سفرنامه (۱۳۷۵) به کوشش محمد دبیرسیاقی، چاپ ششم، تهران: زوار.
- مصفا، ابوالفضل؛ فرهنگ اصطلاحات نجومی؛ تبریز (۱۳۵۷) مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- موسوی بجنوردی، محمد کاظم (۱۳۸۷) دایره المعارف بزرگ اسلامی؛ ج ۱۵، چاپ اول، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- نوری، یحیی (۱۳۶۰)، اسلام و عقاید و آراء بشری یا جاهلیت در اسلام، چاپ نهم، تهران: بنیاد علمی و اسلامی مدرسه الشهدا.
- اشکوری، محمد جعفر و موسوی، سید جمال و صادقی، مسعود (۱۳۹۸) «جهان‌شناسی در عجایب نگاری‌ها»؛ مجله تاریخ علم، دوره (۱۷)، ش ۱، ۱۳۹۸؛ ص ۱-۳۵.
- ایروانی، محمد رضا (۱۳۸۶) «نگاهی به خاطره‌نویسی و مقایسه آن با زندگی‌نامه و سفرنامه»؛ مجله زبان و ادبیات فارسی، ش ۸، پاییز، ۱۳۸۶؛ ص ۷۳-۱۰۰.



پیامتی، بهناز؛ «شعر رودکی جلوه‌گر باورهای دینی» (۱۳۸۸) مجله بهار ادب، س ۲، ش ۲، تابستان، ۱۳۸۸؛ ص ۱۳۸-۱۵۳.

جهانشاهی افشار، علی و شمس الدینی مطلق، محمد حسن (۱۳۹۲) «ریشه‌های خرافات و کارکرد آن در فرهنگ مردم»؛ مجله فرهنگ و ادبیات عامه، س ۲، ش ۳، بهار و تابستان، ۱۳۹۳؛ ص ۴۹-۷۸.

خوارزمی، حمید رضا و توکلی، حسین الله (۱۳۹۶) «طلسم و طلسم شکنی در فرهنگ عامه جبال بارز جیرفت»؛ مجله فرهنگ و ادبیات عامه، س ۵، ش ۱۶، مهر و آبان، ۱۳۹۶؛ ص ۱۳۷-۱۶۰.

سید یزدی، زهرا و حکیمی پور، فرزانه (۱۳۹۶) «بررسی فرهنگ عامه در فیروزشاه نامه محمد بیغمی»؛ مجله مطالعات ایرانی، س ۱۶، ش ۳۲، ۱۳۹۶؛ ص ۹۷-۱۱۱.

شریلو، ملیحه و فرزاد، عبدالحسین (۱۳۹۵) «عناصر فرهنگ و کنش‌های عامیانه در داستان نویسان زن معاصر»؛ مجله زن در فرهنگ و هنر، س ۸، ش ۱، ۱۳۹۵؛ ص ۱-۲۲.

صرفی، محمد رضا (۱۳۸۳) «بازتاب باورهای خرافی در مثنوی»؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دوره جدید، ش ۱۵ (پیاپی ۱۲)، ۱۳۸۳؛ ص ۱۰۳-۱۲۸.

علوی زاده، فرزانه سادات و وحدانی‌فر، امید (۱۳۹۸) «جلوه‌های فرهنگ عامه در سفرنامه سه سال در آسیای ژوزف آرتور گوبینو»؛ مجله فرهنگ و ادبیات عامه، س ۷، ش ۲۸، ۱۳۹۸؛ ص ۱۹۳-۲۱۸.

غضنفری، سیده پروانه و میترا کریمی، (۱۳۹۵)، «چشمه علی دامغان و علل تقدس آن»، باغ نظر، سال سیزدهم، شماره چهل و دو، صص ۵۷-۶۶.

فارسیان، محمد رضا، و قاسمی آریان، فاطمه (۱۴۰۰) «بازتاب ادبیات عامه ایران در سفرنامه از خراسان تا بختیاری اثر هانری رنه دالمانی»؛ مجله مطالعات زبان و ترجمه، دوره (۵۴)، ش ۳، ۱۴۰۰؛ ص ۹۷-۱۲۲.

گلی، احمد و معنوی، فاطمه (۱۳۹۰) «بازتاب باورهای خرافی در دیوان انوری»؛ مجله نامه پارسی، ش ۵۸-۵۹، پاییز و زمستان، ۱۳۹۰؛ ص ۱۵۵-۱۷۸.



مدبری، محمود (۱۳۶۸) «بهرام گور و رباط زبیده در سفرنامه ناصر خسرو»؛ مجله چیستا، ش ۶۲، آبان، ۱۳۶۸؛ ص ۲۱۵-۲۱۸.

مدرس زاده، عبدالرضا (۱۳۸۵) «فرهنگ عامیانه در شعر ناصر خسرو»؛ مجله زبان و ادبیات فارسی، ش ۱۰، ۱۳۸۵؛ ص ۷۹-۹۷.

ولی پور هفتجانی، شهناز (۱۳۹۵) «اسطوره فریدون، نمادها، بن مایه‌ها و تحولات آن»؛ مجله ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی (زبان و ادبیات فارسی)، س ۱۲، ش ۴۳، ۱۳۹۵؛ ص ۳۱۵-۳۴۳.

الهامی، فاطمه (۱۳۸۶) «انعکاس باورهای عامیانه و عقاید خرافی در شعر نظامی»؛ مجله پیک نور، س ۵، ش ۳، پاییز ۱۳۸۶؛ ص ۱۰۴-۱۱۴.





A Study of the Representation of Folk Beliefs in Naser Khosrow's Safarnama (The Book of Travels)

Shahnaz Valipour Hafshejani¹, Amirhossein Saeedipour²

Abstract

The folk beliefs and knowledge, as a phenomenon intertwined with society and an inseparable pillar of collective life in the ups and downs of human history, have made a significant contribution to the culture of any nation. In the meantime, folk beliefs are considered, as the place of familiarity and identification of various aspects of public culture. Safarnamas (The Books of Travels) are one of the most important fields of manifestation of these beliefs, which in terms of representing the culture and thought of the people of different societies, are one of the richest sources for the study of culture and popular ideas. In the same direction, Naser Khosrow's Safarnama has a special place due to its scientific accuracy, insight and linguistic abilities. In this research, done with a descriptive-analytical approach and using the library method, the types of public beliefs in Naser Khosrow's Safarnama have been studied based on a new classification. In this classification, popular beliefs are divided into six categories: religious, historical, mythical, wonders, Taboo, and superstitious. The results of the research showed that among the types of popular beliefs, religious beliefs are the most reflected in Naser Khosrow's Safarnama and after that, popular beliefs about wonders are more reflected than other beliefs. Among the types of popular beliefs, the lowest percentage of reflection is attributed to superstitions. These results also revealed the dominance of the intellectual and religious aspects of the character of this theologian sage in the report of his seven-year journey.

Keywords: Naser Khosrow, Travelogue, Folk Beliefs, Superstition

¹. The assistant professor of Persian literature and language, Farhangian university Chaharmahal and Bakhtiari province,iran. (corresponding author) //sh.valipour@cfu.ac.ir

². Graduate of Persian Language and Literature, Farhangian University, Chaharmahal and Bakhtiari Province, Shahrekord,iran.// [saeedipouramirhossein42@gmail.com](mailto://saeedipouramirhossein42@gmail.com)